

خَلَجُ اوردو

(سکونتگاه قبایل خلج در تاریخ)

نوشتہ:

علی اصغر عباسی (فراہانی)

۱۹۷۳ء

سرشناسه

: جمراسی فراهانی، علی اصغر، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور

: خلیج اوردو (سکونتگاه قبایل خلیج در تاریخ) نوشته علی اصغر جمراسی.

مشخصات نشر

: تهران علی اصغر جمراسی (فراهانی) ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۱۰۵ ص: مصور، جدول

شابک

: 978-622-00-0486-8 : ۱۵۰۰۰۰ ریال.

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

یادداشت

: کتابنامه

موضوع

: خلیج

موضوع

: khalaj(turkic people)

موضوع

: ترکان - ایران - تاریخ

موضوع

: Turkic peoples-Iran-histor

رده بندی کنگره

: ۱۳۹۷ ج ۸ / ۷۷ خ / DSR۷۲

رده بندی دیبی

: ۹۵۵/۹۸۱۱۴

شماره کتابشناسی

: ۵۲۱۲۷۹۴

مشخصات کتاب

نام کتاب: خلیج اوردو

زبان: فارسی

مؤلف: علی اصغر جمراسی

ناشر: ناشر مؤلف

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۰-۰۴۸۶-۸

نوبت چاپ: اول ، سال انتشار ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰

تعداد صفحات: ۱۰۵

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش: اندیشه نو، تهران - خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده،

زیرهمکف واحد ۱۰۱ تلفن ۶۶۹۵۳۹۵۹ (۰۲۱)

آغاز سخن

واژه‌ی خلیج در میان نویسندگان و مورخین قدیم چین، روسیه، ترک، عرب و فارس به اشکال مختلف آمده است، از قبیل: قالاچ، کالاچ، خالاچ، خلوخ، خالوخ، خلخ، خرلیخ، قارلیق، خولچ، خیلیچ، و سرانجام شکل مؤخرآن به صورت خلیج استعمال می‌شود.

ابن بی بی، هنگام سخن از زیبا رویان قونیه مکرر از مجازاتی استفاده نموده که با خلیج‌ها و یا خلیج‌ها در ارتباط است. آنگاه وی در متون و نوشته‌های خود واژه خلیج و خلیج را باهم آورده و کار برد این کلمه را در ایالت سند و قندهار یکی دانسته است و بر این عقیده است که این دو واژه در این منطقه با هم استعمال می‌شده است.

مینر سکی، اصل کلمه «خلیج» را بنام قبیله‌یی «قارسوق» (برسم الخط چینی کولولو) دانسته است در تواریخ قدیمی اسلامی آن را بشکل «قرلخ و خلخ» نوشته اند و با اندک تغییر سکی «قارلوق یا قرلوق» به قومی ارتباط می‌گیرد در ترکستان شمالی در سرزمینی به همین نام خراج اقامه داشته‌اند.

مارکوارت، حاکم آن قوام ترک می‌پندارد که در سالهای ۵۵۴-۵ میلادی به اسم خولس شناخته می‌شده‌اند وی معتقد است نام خلیج در متنی سریانی به شکل «خولچ» آمده است. احتمال می‌رود هیچ‌یک از دوره ماقبل اسلام در تاشکند و پنجکند (در نزدیکی سمرقند) حکومت تشکیل داده‌اند. وی همچنین در کتاب «ایران‌شهر در جغرافیای بطلیمیوس» (۲۰۰۴، ص. ۲۵۱)، با اشاره به مفتاح «السلطان» حواری، معتقد است که خلیج‌ها بازماندگان هفتالیت‌ها هستند. منابع تاریخی دیگری از جمله: جبری، بلاذوری و بعضی از جغرافیدانان اسلامی خلیج‌ها را بازماندگان هفتالیت‌ها و آق‌هون‌ها می‌دانند. اینان معتقدند که بعد از سقوط آق‌هونها، بازماندگان آنها یعنی هپتالیت‌ها یا هفتالیت‌ها در آن رسیده‌اند. امل اسین باستان شناس مشهور و بعضی مورخان با استناد بر نوشته‌های معدنی بر روی سکه‌هایی که از خرابه‌های تاریخی قلعه کاسان (کوه مغ) به دست آمده، ادعا می‌کنند که در قرون هم عصر با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، خلیج‌ها صاحب حکومت بودند و سکه‌های مذکور متعلق به حکومت خلیج‌ها می‌باشد.

ملیت خلیج‌ها به ملیت اویغور و غزها مرتبط می‌گردد. این ملیت ساکنین اصلی مناطق قره ایرتوش و کوه‌های تاربه‌گتای دره قرلوق که در سمت غربی کوه‌های آلتای آسیای مرکزی قرار دارد می‌باشد.

در بعضی متون باستانی از خلیج‌ها بعنوان تیره «قارقین» نام برده شده است که، یکی از

۲۴ تیره ترک بوده‌اند به همراه یک تیره دیگر از اوغوزها جدا شده‌اند.

این دو تیره در لیست تیره‌های ترک در دیوان الغات ترک محمود کاشغری آورده نشده است. ولی این دو تیره در اوغوزنامه رشیدالدین فضل الله همدانی با نامهای «قیزقین و قارقین» در لیست تیره‌های اوغوز ذکر شده است. هر دو تیره جزو دسته «بوز اوخلار» بوده و از فرزندان «اولدوز خان» می‌باشند.

خلج‌ها در طول تاریخ مکان‌های مختلفی را به عنوان محل زندگی تجربه کرده‌اند. برخی از این مکان‌های جغرافیایی عبارت‌اند از: ایران، ازبکستان، افغانستان، پاکستان، سوریه و لبنان می‌باشد. بر اساس برخی منابع تاریخی دیگر، طوایفی از خلج‌ها در دوران تیمور در سوریه و لبنان سکونت کرده‌اند.

بطور خلاصه می‌توان گفت تاریخ ترکان خلج با تاریخ عمومی آسیای میانه و خاورمیانه در قبل و بعد از اسلام گره خورده است.

پرفسور احمد ناشایل در مقاله «اجتماعات ترک ساکن در آسیای میانه در دوره تاریخی ماقبل اسلام»، نام خلج را نیز در میان دیگر اجتماعات ترک می‌آورد. وی معتقد است: «نام خلج برای اولین بار قبل از سال ۸۸۶ میلادی در صحنه تاریخ دیده شده است. به بیان دیگر این تاریخ، اولین حضور خلج در صحنه تاریخ است.

حسب نظر مؤلف حدود العالم (ص: ۱۰۰) و ام المخری (ص: ۲۴۵) خلج‌ها در صدر اسلام، در هندوستان، سجستان، اطراف غور، بلخ، بلخ، خراسان، زمین داور، بست، بعضی نقاط خراسان، غزنین، تخارسان و جوزجان مسکن کرده‌اند.

در زمان خلافت عثمان، در قرن ۱۰ میلادی خلج در افغانستان ساکن بودند. در این دوره نظامیان خلج با اردوی سامانیان که عده کثیری از آن را ترک تشکیل می‌دادند متحد شدند. تا زمان ظهور غزنویان، خلج‌ها در تشکیلات سیاسی و نظامی سامانیان حضور فعال داشته‌اند.

خلج‌ها به همراه سایر اقوام ترکمن در زمان حرکت سلجوقیان به ماوراءالنهر، خراسان، خوارزم، فارس، عراق، آذربایجان و آسیای صغیر مهاجرت کردند. و بعد از اضمحلال امپراطوری سلجوقیان بسیاری آنان زندگی یکجا نشینی را اختیار نمودند. بخش قابل ملاحظه‌ای از خلج‌ها بعد از سقوط سلجوقیان به خدمت غوریان و خوارزم شاهیان درآمدند.

در زمان غوریان قبایلی از اوغوزها به غور و سیستان و زابل مهاجرت نمودند که از میان اینها محمد بختیار نامی از قوم خلج ظهور نمود. این مرد نخست در خدمت سلطان شهاب الدین غوری انتظام داشت و در اثر خدمت لیاقت و دلاوری خود بزودی به منزلت امیری رسید. (خلجی‌ها یا غلجاییها، عبدالاحد جاوید، مجله ادب، شماره ۱۳۳۷، ص ۴۰۱)

خلج‌ها بعد از سقوط غوریان بر پهنه عظیمی از شعب قاره هند مستقر شده و دومین سلسله مسلمانانی بودند که بعد از سلاطین مملوک غور در هند حکمروایی مستقل داشتند. بعد از در گذشت محمد بختیار، اقوام خلج شیران نام را پادشاه کردند. پادشاهان خلج اکثراً مشوق علم و ادب بوده اند.

در ده ۱۵ میلادی، زمانی که حکومت ایران در دست تیمور بود، ترکان خلج در مناطق مرکز ایران (قم، ساوه، ری...) ساکن بودند. (حافظ ابرو، ج. ۴، ص. ۶۰۹، همچنین نگاه کنید به شرف الدین علی یزدی، ج. ۲، ص. ۴۰۵)

همچنین در دوره قراقویونلوها ردپای خلج‌ها در فارس دیده می‌شود. در دوره‌های بعد همچون دوره صفویه و افشاریه ترکان خلج در مناطق مرکزی ایران ساکن بوده‌اند و تا به امروز نیز در این منطقه دانه اند.

سفرنامه‌های متعددی که بعد از سال ۱۳۰۰ شمسی نگاشته شده اند حضور خلج‌ها را در مناطق مختلف ایران نشان می‌دهد. از جمله: آذربایجان، فارس، کرمان، قم، اراک و... امروزه واژه خلج هم نام قوم هم نام: از رخلجستان (بخشی‌هایی از استان قم و استان مرکزی) نام محلی است در مرکز ایران منسوب به این قوم می‌باشد.

اجتماع ترکان کهن خلج در ایران باعث شده که در بسیاری از محققین و پژوهشگران نسبت به اطلاع از تاریخ و فرهنگ این قوم جلب توجه ترکان خلج به عنوان شاخه‌ای از ملیت ترک همچون دیگر اجتماعات ترک، به شیوه و به تفاوت و منحصر به فردی سخن گفته و فرهنگ و تاریخ بخصوص خود را دارا می‌باشد فرهنگ و زبان این شعبه از ترکان از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است.

اهمیتی که پرفسور گرهارد دورفر در سال ۱۹۶۷ (میلادی) طی تحقیقاتی آن را کشف و به جامعه علمی زبانشناسی و ترکولوژی تقدیم نمود. ترکی خلجی به لحاظ زبان شناختی گروه‌های فراوانی را باز کرد، به زعم زبان‌شناسان، دایره کلماتی این لهجه ترکی به لحاظ فونتیکی، حروف و گویشهای ارزشمندی از زبان ترکی باستان را در خود حفظ کرده است. از این بعد است که ترکی خلجی جایگاهش را در میان دیگر لهجه‌های زبان ترکی می‌یابد و دقت پژوهشگران زیادی را به خود منعطف می‌کند. ترکی خلجی سند و نمونه‌ای برای

نظریه پردازان مکتب زبانشناختی زبانهای آلتایی شده و برای محققین زبانهای اروپایی- آسیایی (ارواسیا) نیز بسیار ارزشمند بوده است.

خلج‌ها جزو آن دسته از تیره‌های اقوام ترک بودند که بنا بر دلایل ژئوپولیتیکی و نیز اقلیمی مجبور شدند آسیای میانه را ترک کنند. این مهاجرت صدها سال به طول انجامیده و جغرافیایی به گستردگی آسیای میانه، شمال شبه جزیره هند و خاورمیانه را فرا می‌گیرد. نگارنده این سطور، که خود نیز برخاسته از همین قوم کهن خلج می‌باشد از سال ۱۳۸۰

پیوسته در زمینه تاریخ و زبان خلج‌ها در حال تحقیق و پژوهش می‌باشد. حاصل این مطالعات، کتاب «خلج‌ها یادگار ترکان باستان» است که در سال ۱۳۸۵ در زمینه تاریخ مکتوب خلج‌ها چاپ و منتشر گردیده است.

هرچند که اشاره کتاب فوق الذکر مورد استقبال گرم و کم نظیر، تعدادی از پژوهشگران، دانشوران و دانش‌جویان عراق گرفت ولی، هنوز بسیاری از محققین و اساتید ترک و فارس اعم از داخل و خارج کشور با این ط خلج غریب هستند و چه بسا معلومات بسیار اندکی در خصوص تاریخ، ادبیات و فرهنگ این قوم کهن ترک دارند. بر همین اساس نگارنده مصمم شد تا در زمینه تاریخ خلج‌ها مطالعه و کنکاش بیشتری بعمل آورد.

و کتابی که در دستان مبارک شما است با عنوان «خلج اردو» مکمل کتاب «خلج‌ها یادگار ترکان باستان» است که در پاسخ به درخواست و تقاضای تعدادی از اساتید ترک در همایش‌های بین‌المللی به رشته تحریر در آمده است. هدف ما از نگارش این کتاب آشنا ساختن مخاطبان با سیره ترک‌ان خلج/خلج در تاریخ و ارائه معلوماتی هر چند اندک در خصوص حضور این قوم در صحنه تاریخ و تأثیر آن بر شکوفایی تمدن بشری است.

علی اصغر راسی

فهرست مطالب

۱	نگارش واژه‌ی خلیج	۱.
۲	وجه تسمیه خلیج	۲.
۵	خاستگاه نژادی و قومی خلیج‌ها	۳.
۹	جغرافیای مکانی اقوام خلیج در عصر باستان	۴.
۱۲	بالاساغون	(الف)
۱۷	پنجیکند (بش بالوق)	(ب)
۲۶	مابین آمو دریا و رود سند (جیحون و سیحون)	(ج)
۳۲	سرگذشت خلیج‌ها در جیحون و سیحون	۵.
۳۵	کوشانی‌ها و هفتالی‌ها (هیاطله)	۵.۱
۳۵	کوشانی‌ها	(الف)
۳۶	هفتالی‌ها	(ب)
۳۷	رابطه آه‌شاه‌ها و هفتالی‌ها	(پ)
۴۰	خلیج‌ها و هفتالی‌ها	(ت)
۴۲	کابلشاهان و رتبه‌شان	۵.۲
۴۶	تاریخ تحولات اقوام ترک در خلیج‌ها	۶
۴۹	خلیج‌های خراسان و مرکز ایران	۷
۵۵	حضور و اسکان خلیج‌ها در ایران	۸
۵۶	خلیج‌های خلیجستان	۸.۱
۵۸	خلیج‌ها و قشقای‌های استان فارس	۸.۲
۶۱	روستاهای خلیج زبان استانهای مرکزی و قم	۹
۶۱	استان مرکزی	۹.۱
۶۱	شهرستان آشتیان	(الف)
۶۱	شهرستان تفرش	(ب)
۶۲	شهرستان فراهان	(ج)
۶۲	استان قم	۹.۲
۶۲	بخش خلیجستان	(الف)

۶۳	بخش کهک(نوفلو شاتو)	(ب)
۶۳	بخش سلفچگان	(ج)
۶۵	اقامتگاه و اقوام منتسب به خلیج ها در ایران	۱۰.
۶۵	استان مرکزی	۱۰.۱.
۶۶	استان قزوین	۱۰.۲.
۶۶	استان خراسان رضوی مشهد	۱۰.۳.
۶۶	استان چهارمحال و بختیاری	۱۰.۴.
۶۶	استان لرستان	۱۰.۵.
۶۶	استان آذربایجان شرقی	۱۰.۶.
۶۶	استان آذربایجان غربی	۱۰.۷.
۶۷	استان زنجان	۱۰.۸.
۶۷	استان همدان	۱۰.۹.
۶۸	استان فارس	۱۰.۱۰.
۶۸	استان اصفهان	۱۰.۱۱.
۶۹	اقامتگاه و اقوام منتسب به خلیج ها در آذربایجان و آناتولی	۱۱.
۷۲	بخش دوم : زبان خلیج ها	
۷۲	شاخه های زبان ترکی	۱.
۷۳	مشخصات و ویژگی های زبان خلیجی	۲.
۷۶	ویژگی های عمومی	۳.
۷۷	فعل امر خلیجی متمایز از فعل ترکی اوغوز می باشد	۴.
۸۴	منابع و مآخذ	